

## Jurisprudential-legal analysis of criminal liability of lawyers.

Mohammadreza Zangiabadi<sup>1</sup>

Rahimeh Khademipour<sup>2</sup>

1- Law and Jurisprudence MA. Shahid Bahonar Kerman University

2- Law and Jurisprudence MA. Shahid Bahonar Kerman University

### Abstract.

In addition to their professional requirements and responsibilities, lawyers have responsibilities towards their clients and trade unions, and in case of committing crimes or violations according to the law, they have criminal responsibility and must be punished. In this research, which was carried out using a descriptive-analytical method, after examining the concepts related to the criminal responsibility of attorneys, theoretical bases such as "need to react to criminal behavior", "punish the criminal" and "ensure the rights of the victim and restore him" as The basis of the discussion has been raised. Also, in order to answer the main question of the research, do lawyers have criminal responsibility? It has been concluded that in Iran's legal system, lawyers are also criminally responsible for their crimes, and the legislator has determined the scope of this criminal responsibility, but these laws only pay attention to the aspect of punishment and intimidation of the lawyer, and from the aspect of correction and protection to crimes. Lawyers do not care. Of course, not in the sense that a criminal lawyer should be supported, but the purpose of raising such an issue is to elevate and improve the capabilities of lawyers and comply with the governing laws by these people...

**Keywords :** Criminal responsibility, advocacy, attorneys, lawyer's responsibility.

---

<sup>1</sup> Email: Mr.zangiabadi68@yahoo.com

<sup>2</sup> Email: rkhademi@yahoo.com

## تحلیل فقهی-حقوقی مسئولیت کیفری وکلای دادگستری

محمدرضا زنگی آبادی<sup>۱</sup>

رحیمه خادمی پور<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

### چکیده

وکلای دادگستری علاوه بر الزامات و مسئولیت‌های حرفه‌ای خود در مقابل موکل و تشکیلات صنفی خود، دارای مسئولیت‌هایی هستند و در صورت ارتکاب جرایم یا تخلفاتی به موجب قانون مسئولیت کیفری داشته و باید مجازات شوند. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گردیده است، پس از بررسی مفاهیم مرتبط با مسئولیت کیفری وکلای دادگستری مبانی نظری همچون «لزوم واکنش به رفتار مجرمانه»، «تنبیه مجرم» و «تأمین حقوق بزه‌دیده و ترمیم او» را به عنوان زیربنای بحث مطرح نموده‌است. همچنین به منظور پاسخ به سؤال اصلی تحقیق که آیا وکلای دادگستری مسئولیت کیفری دارند؟ به این نتیجه رسیده‌است که در نظام حقوقی ایران نیز وکلای دادگستری در قبال جرایم خود دارای مسئولیت کیفری هستند و قانونگذار قلمرو این مسئولیت کیفری را تعیین نموده‌است اما این قوانین، صرفاً به جنبه مجازات و ترساندن وکیل توجه داشته و از بُعد اصلاحی و حمایتی به جرایم وکیل توجهی ندارند. البته نه به این معنا که باید از یک وکیل بزهکار حمایت نمود، بلکه هدف از طرح چنین مسئله‌ای، اعتلا و ارتقای توانمندی‌های وکلا و رعایت قوانین حاکم به وسیله این افراد می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت کیفری، وکالت، وکلای دادگستری، مسئولیت وکیل.



<sup>۱</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران.

Mr.zangiabadi68@yahoo.com

<sup>۲</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران.

rkhademi@yahoo.com

## مقدمه

نهاد وکالت در کنار نهاد دادگستری، به دعاوی و اختلافات اشخاص حقیقی و حقوقی رسیدگی می‌کنند و به مقتضای مورد، نسبت به دعاوی مطرح شده دفاع می‌نمایند. وکالت در همه نظام‌های حقوقی دنیا امری متعارف و قانونمند بوده و وکیل شأن قانونی و اجتماعی ویژه‌ای دارد و این نشان از دموکراسی و احترام به حقوق افراد جامعه است. زیرا در برخی کشورهای غیر دموکراتیک قلمرو وکیل و نهاد وکالت بسیار محدود بوده و امکان دفاع آزاد و مستقل وکیل از موکل در چهارچوب قانون از این نهاد سلب گردیده‌است.

وجود نهاد وکالت یکی از ضروریات مسلم همه جوامع بشری است. چراکه با تحولات روزافزون اجتماعی، افزایش اشتغالات شخصی افراد و همچنین پیشرفت اقتصادی و صنعتی، ضوابط و مقررات حاکم بر روابط اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه پیچیده‌تر می‌گردد و ضرورت حضور وکیل و نهاد وکالت در جامعه نمایان می‌شود. وظیفه وکیل صرفاً دفاع از حقوق موکل خود نیست، بلکه یک وکیل باید در اجرای عدالت اجتماعی و تشویق مردم به قانون‌مداری و اجرای قانون نیز مشارکت داشته باشد و همه جوانب اخلاق حرفه‌ای را در شغل وکالت رعایت نماید.

به موجب عقد وکالت، وکیل و موکل در مقابل یکدیگر حقوق و تکالیفی را دارا شده و ضرورت دارد که قانونگذار به منظور پیشگیری از منازعات احتمالی طرفین عقد وکالت حدود قانونی این مسئولیت‌ها و حقوق را تعیین نماید. در واقع تعهدات وکیل در برابر موکل که ناشی از عقد وکالت است یا به صورت مستقیم است و یا به صورت غیرمستقیم و در برخی موارد ممکن است منشأ آن، توافقات طرفین در شروط ضمن عقد باشد که انجام این تعهدات لازم می‌باشد. وکلای دادگستری علاوه بر این الزامات و مسئولیت‌های در مقابل موکل خود، الزامات قانونی دیگری نیز دارند که به دادگاه‌ها و تشکیلات صنفی خود (کانون وکلا) مربوط می‌شود. مسئولیت‌ها و الزامات حرفه‌ای وکلای دادگستری شامل موارد ذیل می‌گردد:

- امانتداری و حفظ اسرار موکل
- رعایت قوانین و مقررات موضوعه
- حضور در جلسات دادرسی
- عدم اطاله دادرسی
- صداقت و راستگویی در مقابل موکل و دستگاه قضایی
- تبانی نکردن با طرف مقابل
- خیانت نکردن به موکل
- دفاع قانونی از حقوق موکل
- رعایت مصالح و منافع موکل.

در این پژوهش در صدد آن هستیم که با مطالعه قوانین مربوط به حوزه وکالت، حقوق و تکالیف وکلای دادگستری را در قبال موکلین، مراجع قضایی و کانون وکلا مورد بررسی قرار داده و در بخش اصلی پژوهش، مسئولیت کیفری وکلا را تبیین نماییم. چراکه در صورت تبیین حقوق و وظایف وکلای دادگستری و شناساندن مسئولیت کیفری صاحبان این شغل به خود آنان و مراجعین آنها می‌تواند تأثیر زیادی در تصحیح خطاهای معمول و بعضاً نسنجیده وکلا داشته باشد. همچنین می‌تواند عامل محرکی برای سوق دادن وکلا به سوی بالابردن سطح آگاهی علمی و حرفه‌ای آنها باشد؛ زیرا این نکته غیرقابل انکار است که علت رغبت نداشتن برخی وکلا برای بالابردن سطح دانش حقوقی خود، ناشی از مطرح نشدن مسئولیت‌های کیفری یا مدنی آنها در قبال تقصیرات یا تخلفاتشان در جامعه حقوقی است. شاید بتوان گفت در زمینه تبیین مسئولیت کیفری یا مدنی وکلای دادگستری پژوهش‌های مختلفی صورت پذیرفته است اما وجه افتراق این پژوهش با دیگر تحقیقات، بررسی و شناخت «مبانی نظری» مسئولیت کیفری وکلا می‌باشد که در تحقیقات پیشین یا بدان پرداخت نشده و یا به اشاره‌ای مختصر اکتفا شده است. امروزه با افزایش دعاوی حقوقی و کیفری میان افراد جامعه، نقش وکلای دادگستری بیش از پیش مشهود است و به تبع همین نقش مهم، باید مسئولیت پذیری این قشر تأثیرگذار در زمینه حقوقی و کیفری نیز مشخص گردد. تا هم وکلا و هم موکلین نسبت به این مسئولیت‌ها آگاهی داشته باشند؛ بنابراین ضرورت دارد با ارائه تحقیقاتی از این دست، مبانی مسئولیت کیفری وکلای دادگستری بازشناسی شود.

## ۱- مفهوم شناسی

### ۱-۱- مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری عبارت از انتساب فعل یا ترک فعل مجرمانه به شخص یا اشخاصی است که با انجام بزه، به قوانین جزایی تجاوز کرده‌اند؛ اعم از آنکه عنوان مباشر یا شریک و یا معاون داشته باشند و اعم از آنکه به عمد باشد یا به خطا؛ به شرط آنکه، شخص توان تحمل مجازات و یا اقدامات تأمینی و تربیتی را در قبال فعل یا ترک فعل خود داشته باشد» (نوربها، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰).

مسئولیت کیفری عبارت است از قابلیت یا اهلیت شخص برای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود (میرسعیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۱). برخی دیگر از محققین نیز در تعریف مسئولیت کیفری معتقدند: «مسئولیت کیفری برخوردارگی از تکلیف به پاسخ گویی در برابر هرگونه رفتار خلاف هنجاری است که قانونگذار برای آن مجازات تعیین کرده است. خواه آن رفتار در عالم خارج نتیجه ملموسی داشته باشد و خواه نداشته باشد» (آقایی نیا، ۱۳۶۲، صص ۲-۳)

ز جهت مسئولیت کیفری اشخاص به دو گروه دارای مسئولیت کیفری و فاقد مسئولیت کیفری تقسیم می‌شوند. منظور از اشخاص دارای مسئولیت کیفری، اشخاصی است که توانایی‌هایی نظیر درک، اختیار و بلوغ را دارا هستند. اما اشخاص فاقد مسئولیت کیفری فاقد چنین توانایی‌هایی بوده و به جهاتی مانند صغر از تحمل مجازات معافند. در شرایطی خاص نیز اعمالی که در حالت عادی از نظر قانونگذار جرم محسوب می‌شود، جرم نبوده و دارای مجازات تلقی نخواهد شد (فرج‌الهی، ۱۳۸۸، ص ۲۹).

### ۲-۱- وکیل دادگستری

وکیل کسی است که به موجب عقد وکالت از طرف شخص دیگری (حقوقی یا حقیقی) برای انجام کاری مأمور می‌شود. البته در روزگار گذشته واژه وکیل استفاده‌های دیگری نیز داشته است مانند واژه «وکیل الرعایا» به معنای نماینده مردم» (دهخدا، ۱۳۳۰، ذیل واژه وکیل).

بر اساس ماده ۶۵۶ ق.م. وکیل کسی است که از طرف دیگری به موجب عقد وکالت مأمور در انجام امری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ص ۷۵۵).

منظور از وکیل در این نوشتار، معنای خاص آن یعنی فردی است که به حرفه وکالت مشغول بوده و پروانه کار از کانون وکلای دادگستری را اخذ نموده و لذا نباید با وکیل به معنای عام آن (مانند وکیل قهری یا مدنی مانند قیم یا قائم مقام) اشتباه شود.

## ۲- مسئولیت کیفری در سیستم قانونگذاری ایران

در نظام حقوقی ایران، نیز مسئولیت کیفری به شرط داشتن شرایط لازم محقق می گردد؛ چنانکه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد» (مستند ماده ۱۴۰ ق.م.ا). در حقوق کیفری مجازات، فرع بر داشتن مسئولیت کیفری است و مسئولیت کیفری نیز در ابتدا مبتنی بر شرایطی بود که اجتماع آن ها در کنار هم اعمال مجازات نسبت به یک فرد را توجیه می نمود. با توجه به غلبه عقل محوری و انسان گرایی در حقوق کیفری عصر روشنگری باید گفت که ازجمله مهمترین شرایط تحقق مسئولیت کیفری در این دوران همانا برخورداری از اراده در زمان ارتکاب عمل بود (جعفری، ۱۳۹۳، ص ۸).

بیشتر نظام های عدالت کیفری، با کمک گرفتن از مفهوم حقوقی «مسئولیت کاهش یافته» در تلاش هستند چرایی و چگونگی رفتار دسته ای از بزهکاران را که مبتلا به نوعی نابهنجاری در عملکرد روانی هستند، تبیین کنند، حال آنکه به جرأت می توان این فرضیه را طرح کرد که مسئولیت کاهش یافته جایگاهی در گفتمان قضایی حقوق ایران ندارد و مسئولیت کیفری در دو وضعیت کامل یا عدم مسئولیت مطرح شده است. در مقابل، حقوق انگلستان همانند بیشتر نظام های حقوقی، با به رسمیت شناختن دفاع مزبور، گام مهمی در جهت حمایت از این افراد برداشته است (حبیبزاده و میرمجیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۱).

در این بحث یکی از نکات مهم این است که بدانیم از دیدگاه کیفرشناسی، صرف ارتکاب جرم به تنهایی موجب مسئولیت کیفری برای مجرم نیست؛ بلکه به منظور مجازات مجرم شرایطی لازم است که عبارتند از:

- ۱- وقوع رفتار مجرمانه که ناشی از اراده و آگاهی مرتکب می باشد که کردار و گفتار او را مشخص می نماید.
- ۲- عمل مجرمانه که با قصد و اراده مرتکب، محقق شده است.
- ۳- قابلیت انتساب جرم انجام یافته و مجرم برای اینکه بتوان مجرم را مسئول بدانیم. بنابراین شخصی که با علم و آگاهی مرتکب جرمی شود لزوماً مسئول شناخته نمی شود، بلکه علاوه بر اراده و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید مرتکب جرم نیز دارای اهلیت و ویژگی های فردی باشد تا بتوان وقوع جرم را به او نسبت داد. بنابراین، هنگامی یک مجرم مسئول شناخته می شود که بتوان آن حادثه را به او نسبت داد. بنابراین می توان گفت مسئولیت کیفری زمانی محقق می گردد که معلوم شود مجرم، از نظر عقل و اراده، دارای اهلیت است و می توان میان جرم و مجرم رابطه سببیت برقرار کرد.

### ۳- اقسام جرائم وکلای دادگستری

در برخی مواقع امکان دارد یک وکیل دادگستری در زندگی فردی و اجتماعی خود مرتکب جرم یا بزه شود و در مواقعی نیز این بزه ارتكابی با حرفه وکالت او مرتبط است و در شرایطی نیز ممکن است اقدام وکیل در قالب ضوابط عمومی و مقررات بین المللی مسئولیت آفرین باشد و گاهی نیز می تواند تحت عناوین جزایی ویژه جرم تلقی گردد. اما آنچه که مسلم است، صرف نظر از قوانین ویژه انتظامی و تخلفات مربوط که در واقع از ضوابط و تشریفات خاص تبعیت می کنند، جرایم ارتكابی وکلا نیز همانند جرایم افراد عادی و از طریق مقررات ماهوی و شکلی مورد تعقیب و مجازات قرار می گیرد. با این حال هرچند جرایم خاص وکلا به تفکیک در قانون تعیین نشده است اما قسمتی از جرایم وکیل دادگستری در ارتباط با حرفه وکالت می باشد و برخی مصادیق آن در قوانین عام و خاص پرداخته شده است؛ به طور کلی می توان جرایم وکلای دادگستری را به سه گروه «جرایم عام»، «جرایم خاص» و «جرایم دو جانبه» تقسیم کرد. منظور از جرایم عام و خاص در این بخش، جرایمی است که همه افراد با هر شخصیت و موقعیت فردی و اجتماعی ممکن است مرتکب شوند و در واقع این بحث

نباید با مفاهیمی نظیر «جرایم عمومی و خصوصی» مشتبه شود. مفهوم جرایم عام و خاص، در واقع اعم از جرایم عمومی و خصوصی است؛ زیرا ممکن است وکیل دادگستری مرتکب جرمی مانند توهین شود که جنبه خصوصی دارد و یا مرتکب جرمی نظیر اقدام علیه امنیت داخلی شود که جنبه عمومی دارد و یا مرتکب جرمی مانند قتل یا سرقت گردد که هم جنبه خصوصی دارد و هم جنبه عمومی؛ بنابراین منظور از جرایم عام و خاص و دوجنبه در این بحث، اعم از جرایم خصوصی و عمومی می باشد.

### ۳-۱- جرایم عام

وکلای دادگستری ممکن است همانند افراد عادی در زمینه امور اقتصادی، خانوادگی، فردی و اجتماعی مرتکب جرایم یا تخلفاتی با شدت و ضعف مختلف شوند؛ جرایمی همچون قتل، ضرب و جرح، توهین، جرایم علیه آسایش عمومی و ... ممکن است از هر شخصی با هر منصب و شغلی سر بزند و بر مبنای حقوق جزای عمومی مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد. بنابراین چنانچه شخصی که در کسوت وکالت مشغول به فعالیت است مرتکب یکی از جرایم مذکور یا مانند آن گردد، مسئولیت کیفری یا مدنی او همانند مسئولیت اشخاص عادی است اما بر اساس بند «پ» ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ غیر از کیفرهای قانونی که برای جرم محقق شده تعیین می گردد، ممکن است به مجازات تکمیلی «منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین» به صورت تبعی از برخی حقوق اجتماعی از جمله انجام حرفه وکالت محروم شود. قانونگذار در ماده مذکور مقرر می دارد: «دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی محکوم نماید» (ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲).

بنابراین چنانچه وکلای دادگستری مرتکب یک جرم عمومی شوند که مربوط به حرفه آنها نباشد، ممکن است به صلاح دید قاضی پرونده و با در نظر گرفتن شخصیت فردی و اجتماعی وی، در کنار مجازات اصلی، به منع از اشتغال حرفه وکالت به صورت دائم یا موقت محکوم نماید. البته قانونگذار، ماده ۲۳ ق.م.ا. را مقید کرده و لازمه منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه

یا کار معین را لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار دانسته است، مشروط به اینکه جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل نماید (مستند به ماده ۳۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲).

### ۲-۲-۳- جرایم خاص

منظور از جرایم خاص در این بخش، جرایمی است که به طور اخص در برخی حرفه ها و مشاغل خاص نظیر، پزشکی، وکالت، قضاوت و یا برخی مشاغل سیاسی اتفاق می افتد. اینگونه جرایم هنگامی برای این افراد مسئولیت برانگیز است که فرد، تحت همان عنوان شغلی خود مرتکب جرم شده باشد و جرم آن نیز در قانون تصریح شده باشد. از جمله مهم ترین جرایم خاص به موارد ذیل اشاره شده است:

### ۱-۲-۳- افشای اسرار حرفه‌ای

افشای اسرار حرفه ای به عنوان یک جرم مستقل در ماده ۶۴۸ کتاب پنجم تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بیان گردیده است که مجازات های تعزیری نیز به عنوان ضمانت اجرای این جرم تعیین شده است. ماده مزبور مقرر می دارد: «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند». یکی از مصادیق این ماده، وکلای دادگستری هستند که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار موکلین خود می شوند و چنانچه اسرار پرونده موکل خود را به هر نحوی غیر از موارد قانونی افشا کنند، شامل مسئولیت کیفری بوده و باید مطابق ماده فوق مجازات شوند.

### ۲-۲-۳- نشر اطلاعات و پخش مدارک و مستندات موکل

یکی دیگر از جرایم خاصی که امکان وقوع آن در حرفه وکالت وجود دارد، نشر اطلاعات و پخش مستندات موکل است که جنبه محرمانه و خصوصی داشته باشد و از طرفی هم این

عمل، موجب اضرار مادی و معنوی به موکل شود. اما در برخی موارد مانند ماده ۱۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ «هرگاه متهم، نوشته، اسناد، مدارک، اسباب و ادله مؤثر در کشف جرم مربوط را به وکیل خود یا شخص دیگری بسپارد، بازپرس می تواند آنها را حسب مورد، در حضور وکیل یا آن شخص بررسی کند. در صورت استتکاف اشخاص مذکور از ارائه آنها، مستتکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم می شود، اما در صورتی که این اشخاص عذر موجه داشته باشند، ادله خود را به مقام قضائی رسیدگی کننده ارائه می دهند» مطابق ماده فوق، چنانچه وکیل پرونده از ارائه مدارک و مستندات که مورد نیاز بازپرس پرونده است خودداری نماید، مرتکب جرم استتکاف از ارائه اطلاعات و نوشته های مؤثر در کشف جرم شده و باید مسئولیت این جرم را نیز بپذیرد و دادگاه می تواند وکیل مدافع را بر مبنای ماده ۱۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری محاکمه و مجازات نماید.

### ۳-۲-۳- خیانت در امانت

خیانت در امانت در قانون مجازات اسلامی به عنوان جرمی مستقل تعیین شده و برای مرتکبان آن مجازات تعیین شده و علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی نیز به همراه داشته و خسارت زیان دیده نیز باید جبران شود. جرم خیانت در امانت در قانون مجازات اسلامی به صراحت تعریف نشده است اما با توجه به مصادیق مذکور در برخی مواد این قانون، می توان تعریفی کلی از خیانت در امانت را دریافت و آن را به عملی عمدی و برخلاف امانت امین به ضرر صاحب مال تعریف کرد. قانونگذار در ماده ۶۷۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲ (بخش تعزیرات) مقرر داشته است که «هرکس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به دست آورده سوءاستفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد». همچنین در ماده ۶۷۴ قانون مذکور می گوید: «هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد

شد». با توجه به مواد قانونی مذکور، خیانت در امانت عبارت است از استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود کردن توأم با سوءنیت مالی که از طرف مالک یا متصرف قانونی به کسی سپرده شده و بنا بر استرداد یا به مصرف معین رسانیدن آن بوده است.

فارغ از تعاریف و مجازات هایی که در قانون مجازات اسلامی برای جرم خیانت در امانت تعیین شده، در قوانین خاص نیز از این جرم ذکر شده و برای آن مجازات جداگانه تعیین گردیده است؛ چنانکه ماده ۴۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ پیش بینی کرده است که «در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالتبیین حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محکوم خواهد شد و موکل می تواند خسارات وارده بر خود را از او مطالبه نماید». از ماده ۴۱ اینگونه استنباط می گردد که خیانت وکیل نسبت به موکل خود به نحوی که با طرف دعوی به ضرر موکل زدویند کند، مستوجب ابطال پرونده وکالت و محرومیت دائم وکیل از شغل وکالت است. اما نکته قابل توجه این است که مصداق ذکر شده در ماده فوق به صورت تمثیلی بوده و انحصاری نیست؛ بلکه از اطلاق این ماده می توان دریافت که هرگونه خیانتی توسط وکیل که حق موکل را تضییع نماید، می تواند این مجازات را به همراه داشته باشد.

### ۳-۲-۴- اخلال در نظم دادگاه

مطابق مقررات آیین داری در امور کیفری یا مدنی، مدیریت فرآیند داری و استقرار نظم در دادگاه، از جمله وظایف مرجع قضایی و به طور اخص برعهده قاضی پرونده است. قانونگذار در ماده ۳۵۴ قانون آیین داری کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضمانت اجرای اخلال در نظم دادگاه را اینگونه بیان کرده که «اخلال در نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص، موجب غیرعلنی شدن محاکمه نمی شود، بلکه باید به گونه مقتضی نظم برقرار شود. رییس دادگاه می تواند دستور اخراج کسانی را که باعث اخلال در نظم دادگاه می شوند، صادر کند مگر اینکه اخلال کننده از اصحاب دعوی باشد که در این صورت رییس دادگاه دستور حبس او را از یک تا پنج روز صادر می کند. این دستور پس از جلسه رسیدگی، فوری اجراء می شود...».

با عنایت به صدر ماده ۳۵۴ ق.آ.د.ک. باید توجه داشت که قاضی دادگاه به حکم قانون، فقط می تواند اصحاب دعوی را در صورت اخلال در نظم دادگاه به حبس از یک تا پنج روز محکوم نماید و با صراحتی که در عبارت «مگر اینکه اخلال کننده از اصحاب دعوی باشد» وجود دارد، افرادی از قبیل وکلا، شهود و ... را از عموم این ماده خارج نموده است. البته ماده ۳۵۴ در خصوص وکلایی که در روند دادرسی اخلال ایجاد کنند تعیین تکلیف کرده و مقرر می دارد «اگر اخلال کننده از وکلای اصحاب دعوی باشد، دادگاه به وی در خصوص رعایت نظم دادگاه تذکر می دهد و در صورت عدم تأثیر، وی را اخراج و به دادرسی انتظامی وکلا معرفی می کند. چنانچه اعمال ارتكابی، واجد وصف کیفری باشد، اجرای مفاد این ماده، مانع از اعمال مجازات قانونی نیست».

### ۳-۲-۵- اعمال نفوذ غیرقانونی

از جمله جرایم خاصی که می توان در حرفه وکالت در نظر گرفت، اعمال نفوذ وکیل، برخلاف حق و مقررات قانونی است؛ به عبارت دیگر، چنانچه وکیل برای سود بیشتر و یا به منظور به دست آوردن مال یا منفعتی از موکل خود، ادعا کند که خارج از طوابع قانونی و مقررات حاکم بر جامعه می تواند به واسطه رانت یا اعتبار خود در مسئله ای اعمال نفوذ کند، می توان وکیل را به جرم اعمال نفوذ غیرقانونی مورد مؤاخذه و محاکمه قرار داد. این موضوع به قدری اهمیت دارد که قانونگذار را مجاب کرده که قانون خاصی در این زمینه وضع کند که به «قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی» (مصوب ۱۳۱۵/۹/۲۹) مشهور است. جرم اعمال نفوذ دارای عناصر و شرایط خاص می باشد، هرچند با جرایمی همچون ارتشاء و کلاهبرداری قابل مقایسه است ولی به عنوان جرم خاص تعریف و تعیین شده است. اعمال نفوذ به دو دسته تقسیم می شود: اعمال نفوذ فاعلی و اعمال نفوذ منفعلانه. اعمال نفوذ فاعلی به اعتبار مرتکب جرم به دو دسته تقسیم می شود؛ نخست اینکه مرتکب شخص عادی است و یا اینکه مرتکب وکیل دادگستری می باشد. اعمال نفوذ فاعلی که مرتکب آن شخص عادی است در دو حالت قابل تصور است؛ اعمال نفوذ عام و اعمال نفوذ خاص که مواد ۱ و ۲ این قانون به آن پرداخته است (کوشا، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰).

چنانچه ادعای داشتن اعتبار یا نفوذ نزد قضات محاکم و مأمورین اداری و... از ناحیه وکیل دادگستری مطرح و به واسطه آن مال یا امتیازی تحصیل گردد، این امر نیز دارای تبعاتی برای وکیل خواهد بود و به موجب ماده ۴ قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی «هر وکیل عدلیه که به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مأمورین قضایی یا اداری یا حکم یا شهود و اهل خبره وجه یا مال یا منفعت دیگری برای خود یا شخص ثالث از موکل خود به عنوان اینکه باید به یکی از اشخاص مذکور بدهد یا مساعدت آنها را جلب کند تحصیل نماید یا وعده آن را قبول کند، علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد».

مفاد ماده مذکور، عمل وکیل دادگستری را در صورتی مجرمانه می‌داند که وکیل، وجه یا مال یا منفعتی را با ادعای اعتبار و نفوذ از شخص موکل خویش دریافت نماید؛ بنابراین اگر میان وکیل و شخص ثالث که وجه یا مال یا منفعتی را به وکیل دادگستری پرداخت کرده رابطه وکالت وجود نداشته نباشد، نمی‌توان عمل وکیل را جرم انگاشت و مشمول مقررات این ماده دانست. افرادی که وکیل ادعای اعتبار و نفوذ نزد آن‌ها را دارد منحصر در اشخاصی است که در ماده ۴ بیان شده و این ماده به گونه‌ای تدوین شده است که افراد مذکور را به صورت تمثیلی بیان کرده است؛ بنابراین چنانچه وکیل دادگستری ادعا کند که با وکیل طرف دعوی به نحوی ارتباط دارد و می‌تواند با نفوذی که نزد او دارد او را مجاب کند که از موکل خود دفاع مؤثری در دعوی مطروحه به عمل نیاورد تا طرف مقابل بتواند در دعوی پیروز شود و با این ادعا وجه یا مالی را به وکیل طرف مقابل پرداخت نماید. در این صورت مبالغی را که از موکل خودش اخذ نماید، نمی‌توان عمل وکیل را جرم محسوب نمود و مشمول مقررات ماده ۴ دانست. هرچند که این عمل خلاف اخلاق حرفه‌ای وکالت بوده و کاری بسیار ناپسند و مذموم شناخته می‌شود و در صورت احراز آن توسط قاضی می‌توان وکیل را متهم نموده و به عنوان مجرم محاکمه کرد.

**۳-۳- جرایم دوجانبه**

پس از بررسی تفصیلی جرایم عام و خاصی که ممکن است یک وکیل دادگستری مرتکب آن‌ها شود و به تبع آن مسئولیت کیفری بر وی بار شود، جرایمی نیز امکان بروز دارد که از نظر ماهوی، دوجانبه هستند و در واقع ترکیبی از جرایم مختلف هستند که امکان دارد از یک وکیل دادگستری سربرزند. برخی از جرایم مانند کلاهبرداری، خیانت در امانت، جعل و ... علی‌رغم اینکه جزء جرایم معمولی به حساب می‌آیند، حسب شرایط می‌توانند در ارتباط با وکالت محقق شوند که در این صورت می‌توان این جرایم را به عنوان جرم ارتكابی خاص برای وکلای دادگستری مورد توجه قرار داد.

**۳-۳-۱- کلاهبرداری**

کلاهبرداری از جمله جرایمی است که می‌توان آن را هم از جنبه عام و از جنبه خاص در ارتباط با شغل وکالت در نظر گرفت، به نحوی که وکیل با سوء استفاده از «ضعف نفس شخصی موکل» (مصدق ماده ۵۹۶ ق.م.ا) که در واقع به وکیل خود اعتماد نموده و گاهی نیز این اعتماد همراه با جهل بوده و وکیل را ناجی خود می‌داند. باید گفت در چنین مواردی، موکل به شدت آسیب پذیر و تلقین پذیر است و سوء استفاده وکیل از این شرایط موکل و فریب دادن و ترساندن وی و به تبع آن تحصیل هرگونه مال یا منفعتی از حدود متعارف شغل وکالت خارج بوده و علاوه بر ایجاد مسئولیت اخلاقی، مسئولیت کیفری و مدنی وکیل را نیز به همراه دارد. هرچند که قانونگذار و بسیاری از حقوقدانان ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را مصداق کلاهبرداری می‌دانند اما برخی از حقوقدانان معتقدند که این جرم هیچ ارتباطی به جرم کلاهبرداری ندارد (رک: گلدوزیان، ۱۳۹۴، ص ۵۳۴). اما گذشته از این اختلاف نظر، نکته‌ای که در مورد این ماده قابل تأمل می‌باشد این است که قانونگذار در ماده مذکور برخلاف مسئولیت وصی، ولی و قیم در مورد مسئولیت کیفری وکیل ساکت می‌باشد.

### ۳-۲-۳- تبانی با شخص ثالث برای بردن مال موکل

یکی دیگر از جرایمی که به مناسبت انجام وظایف وکالتی می تواند از ناحیه وکیل اتفاق بیفتد به نحوی که هم در ارتباط با شغل وکالت و هم خارج از آن به وقوع بپیوندد، جرم تبانی با شخص ثالث برای بردن مال موکل است. قانونگذار ایران، علاوه بر جرم کلاهبرداری که به موجب ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری جرم دانسته شده، برخی اعمال دیگر را نیز که در حالت عادی کلاهبرداری محسوب نمی شود، اما به دلیل اهمیت موضوع آن و یا به دلیل وجود برخی شباهت ها در حکم کلاهبرداری دانسته و مجازات کلاهبردار را در مورد این افراد اجرا می کند. یکی از این جرایم، تبانی برای بردن مال غیر است.

مطابق ماده ۱ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر، تبانی می نمایند (مصوب ۱۳۰۷/۵/۳) «هرگاه دو نفر به قصد تصاحب مال شخص ثالث، با هم تبانی کرده و به طور صوری علیه یکدیگر اقامه دعوا کنند، کلاهبردار محسوب می شوند». همچنین مطابق ماده ۲ قانون مذکور «اگر دعوایی در دادگاه بین دو نفر مطرح باشد و کسی با تبانی با یکی از اصحاب دعوا و به قصد تضییع حق طرف مقابل، به عنوان شخص ثالث در دعوایی وارد شود یا بر حکمی اعتراض کند، کلاهبردار محسوب می شود».

با توجه به مطالب فوق و مستندات قانونی، چنانچه وکیل با شخص ثالثی (اعم از طرف دعوا یا شخصی خارج از طرفین دعوی) برای بردن مال موکل یا تضییع حقوق وی تبانی نماید، کلاهبردار محسوب شده و علاوه بر تأدیه خسارات مادی و معنوی وارد شده بر موکل، باید به مجازات کلاهبرداری (۱ تا ۷ سال حبس تعزیری و جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است) محکوم شود و دادگاه باید هر دو مجازات را مورد حکم قرار دهد.

### ۳-۳-۳- تصدیق خلاف واقع مدارک موکل

از جمله جرایم دوجانبه در بحث شناخت مسئولیت کیفری وکلای دادگستری، عملی است که به موجب آن یک وکیل به منظور اصل قلمداد نمودن مدارک موکل خود و بدون ملاحظه اصل آن مدارک، اقدام به تصدیق مدارک مزبور می نماید و از آنجایی که این تصدیق وکیل، خلاف واقع بوده است، این عمل ارتكابی جرم قلمداد شده و قابل تعقیب کیفری می باشد و به تبع آن مسئولیت کیفری وکیل را به دنبال خواهد داشت. همچنین شعبه چهارم دادگاه انتظامی کانون وکلای، طی دادنامه ای، «تصدیق فتوکپی بدون ملاحظه اصل آن توسط وکیل و ارائه آن به دادگاه و اعلام فقدان اصل سند در جلسه دادرسی» را خلاف شأن وکالت بیان می کند (ر.ک: نمونه آراء دادگاه انتظامی وکلا).

با توجه به این موارد، به عنوان مثال چنانچه موکل، از یک برگ سفید امضاء فتوکپی تهیه کرده و در آن متنی را نوشته و مجدداً از آن برگ فتوکپی گرفته و سپس وکیل وی بدون رؤیت اصل برگه، مطابقت فتوکپی مزبور را با اصل تصدیق نموده و به مرجع قضایی ارائه نماید، اگر شرایط مذکور در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ محقق باشد، مطابق این ماده عمل می گردد و در غیر اینصورت، می توان دو حالت را تصور نمود:

الف) در صورت ورود ضرر به شخص و یا اشخاص، وکیل به دلیل اینکه بدون ملاحظه اصل سند اقدام به برابر با اصل آن نموده است، علاوه بر تخلف انتظامی، دارای مسئولیت مدنی نیز خواهد بود.

ب) در صورت ضرر وارد نکردن به شخص یا اشخاص، وکیل صرفاً مرتکب تخلف انتظامی شده است.

### ۳-۳-۴- پولشویی

یکی دیگر از جرایم دوجانبه ای که می توان برای وکیل دادگستری تصور نمود، «جرم پولشویی» است که هم می تواند در مقام وکالت دادگستری مرتکب شود و هم به عنوان یک فرد عادی در دیگر موقعیت های اجتماعی.

ممکن است یک وکیل دادگستری به عنوان یک شخص حقیقی، یکی از طرفین جرم

پولشویی باشد. به این ترتیب که یا خود وکیل جرم مالی را انجام دهد و فرد دیگری اقدام به پولشویی برای وی کند و یا اینکه آن وکیل عمل پولشویی را برای یک مجرم انجام دهد. در هر دو صورت وکیل مجرم شناخته می‌شود و مانند افراد عادی به مجازات مندرج در ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی محکوم می‌گردد.

نکته مهم در ارتباط با بحث پولشویی و موضوع این پژوهش این است که قانونگذار در قانون مزبور، وکلای دادگستری را در کنار چند گروه دیگر، مسئول ارائه اطلاعات در زمینه مبارزه با جرم پولشویی نموده است. چنانکه در ماده ۶ این قانون مقرر می‌دارد: «دفاتر اسناد رسمی، وکلای دادگستری، حساب‌برسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی مکلفند اطلاعات مورد نیاز در اجراء این قانون را که هیأت وزیران مصوب می‌کند، حسب درخواست شورای عالی مبارزه با پولشویی، ارائه نمایند». بنابراین چنانچه وکلای دادگستری از وظایف قانونی خود که در این مواد ذکر شده است تخطی نمایند، مسئولیت کیفری داشته و به موجب قانون مبارزه با جرم پولشویی، مجازات خواهند شد.

#### ۴- مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت کیفری وکیل دادگستری

##### ۴-۱- تبیین مبانی فقهی

در نظام حقوق اسلامی مبانی فقهی مانند قاعده لاضرر و قاعده تسبیب وجود دارد که می‌توان از آن‌ها برای انتساب مسئولیت کیفری بهره برد.

##### ۴-۱-۱- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از قواعد فقهی است که در موارد مختلفی از زندگی افراد جامعه کاربرد فراوانی دارد. این قاعده برگرفته از حدیث نبوی است که می‌فرماید: «لا ضَرَرَ و لا ضِرَارَ فِی الْإِسْلَامِ؛ در دین اسلام نه می‌شود به خود ضرر وارد نمود و نه به دیگران ضرر وارد ساخت». شیخ انصاری (ره) در تفسیر و توضیح قاعده لاضرر می‌گوید: «منظور از نفی ضرر را نفی احکام ضرری می‌داند؛ یعنی «لا» در معنای نفی به کار رفته و کلمه «حکم» را باید در تقدیر گرفت؛ بنابراین، مراد این است که «لا حکمَ ضرری فی الإسلام» یعنی در اسلام احکامی که

موجب ضرر بر بندگان باشد وجود ندارد».

با استناد به نظراتی از این دست می توان گفت عمل به مفاد قاعده لاضرر در فقه اسلامی می تواند مبنای خوبی برای قابلیت انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص مختلف از جمله وکیل دادگستری باشد. به عبارت دیگر، هرگونه ضرر اعم از ضرر مادی یا معنوی و ضرر جسمی یا روحی در اسلام نفی شده و ضررزننده باید مطابق این حکم، از عهده خسارتی که به دیگری تحمیل نموده است برآید. بنابراین چنانچه وکیل دادگستری نیز به موکل خود یا حتی شخص ثالثی که خارج از حیطه شغلی وی بوده ضرری وارد نماید، مسئولیت کیفری بر وی بار شده و باید از عهده مجازات آن جرم برآید.

#### ۴-۱-۲- قاعده تسبیب

فقها در تعریف تسبیب گفته اند: «اتلاف مال یا ایراد جنایت بر دیگری به طور غیر مستقیم و با زمینه سازی و فراهم کردن مقدمات را تسبیب می گویند». تسبیب در اصطلاح فقهی و حقوقی در برابر مباشرت (به معنای انجام دادن بی واسطه یک کار) به کار می رود که هر دو از اقسام اتلاف و از اسباب مهم ضمان هستند و در مواردی نیز در برابر اتلاف به کار رفته که مراد از آن اتلاف به معنای عام نیست بلکه اتلاف با مباشرت است. در تسبیب، اتلاف مال یا جنایت بر نفس به طور غیرمستقیم و با زمینه سازی و تمهید مقدمات صورت می گیرد، مانند حفر چاه در راه، افروختن آتش و سرایت دادن آن به ملک دیگری، شهادت دروغ دادن بر ضد کسی و باز کردن در قفس حیوانات که موجب تلف شدن آن ها یا وارد آمدن خسارت شود.

در واقع قاعد تسبیب رابطه تنگاتنگی با قاعده اتلاف دارد. بر اساس قاعده اتلاف اگر شخص به طور مستقیم و مباشرتاً موجب ورود خسارت به دیگری شود، ضامن جبران خسارت است. همچنین در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است مگر در صورتی که سبب اقوی از مباشر باشد که در این صورت بر اساس قاعده تسبیب، سبب مسئول جبران خسارت خواهد بود. در اینکه آیا اتلاف و تسبیب دو قاعده اند یا دو قسم از یک قاعده، نظریات مختلفی ارائه شده است که در هر صورت چه ما این دو را یک قاعده یا دو قاعده مستقل در نظر بگیریم تمایزاتی بین آن دو وجود دارد. از جمله اینکه: در ضمان اتلاف، تقصیر،

شرط نیست ولی انتساب شرط است اما در تسبیب، علاوه بر انتساب، تقصیر نیز شرط است. لذا در دعای مطرح شده تحت عنوان تسبیب، زیان دیده باید علاوه بر اثبات زیان، وجود تقصیر را نیز اثبات نماید. همچنین در اتلاف همیشه فعل مثبت موجب ورود خسارت است و هیچگاه ترک فعل از مصادیق اتلاف نمی تواند باشد در حالیکه در تسبیب علاوه بر اینکه در اثر فعل مثبت، زیان متوجه غیر می گردد با ترک فعل هم زیان متصور می باشد.

رابطه سببیت یکی از ارکان مهم مسئولیت کیفری و مدنی و نقطه اشتراک این دو نوع مسئولیت است. بگونه ای که بدون اثبات آن هیچ یک از دو نوع مسئولیت قابل تحقق نمی باشد. با این وجود رابطه استناد در این دو قلمرو تفاوت‌های اساسی داشته و در حوزه مسئولیت کیفری باید با نگرش کیفری به این پدیده نظاره کرد. زیرا هر یک از آن‌ها اقتضائات و لوازم خود را دارند و طبعاً بر مبنای همان ساختار، نوع مسئولیت بررسی و تحقق می باشد. هر چند جبران خسارت به عنوان نتیجه تحقق مسئولیت کیفری مورد قبول خواهد بود ولی قابلیت استناد در امر کیفری مبتنی بر اصولی بر گرفته از مبانی کیفری است.

با توجه به این مطالب نیز می توان اذعان داشت که قاعده فقهی و حقوقی تسبیب را نیز می توان از جمله مبانی نظری معتبر در زمینه مسئولیت کیفری وکلای دادگستری به حساب آورد. چنانکه اگر وکیلی به صورت غیرمستقیم موجب جنایت یا جرمی شود باید مسئولیت ناشی از این جنایت یا جرم را پذیرفته و بر اساس قانون مجازات آن را نیز متحمل گردد. بنابراین وکیل دادگستری نیز از مجازات مستثنی نخواهد بود.

#### ۲-۴- تبیین مبانی حقوقی

##### ۲-۴-۱- لزوم واکنش به رفتار مجرمانه

برخلاف اخلاق که قواعد آن ناظر به وجدان‌هاست و هرگونه پندار و فکر زشت و ناپسند را محکوم می‌کند، حقوق جزا متضمن اصولی است که حاکم بر رفتار انسان‌ها و توأم با تضمین‌هایی است و حافظ جامعه بشری می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۰۸). برای آنکه بتوان عملی را جرم تلقی نمود، عمل مزبور باید دارای عناصری باشد. این

عناصر دو دسته اند. دسته نخست عناصری هستند که منحصر به جرمی خاص می باشند و به عنوان عناصر اختصاصی تعریف می شوند و برخی عناصر، عناصر عمومی جرم تلقی می شوند که میان تمامی جرایم مشترک هستند. عناصر عمومی جرم نیز به سه دسته ذیل تقسیم می شوند:

- ۱- عنصر قانونی؛ یعنی قانونگذار باید عمل ارتكابی را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین نموده باشد.
- ۲- عنصر روانی؛ یعنی مجرم عمل ارتكابی را مقرون به علم و اختیار و بدون اجبار و اکراه انجام داده باشد.
- ۳- عنصر مادی؛ در واقع فعل یا ترک فعلی است که به منصفه ظهور و به مرحله فعلیت رسیده باشد.

موضوع رفتار مجرمانه مصداق همین مورد اخیر یعنی عنصر مادی جرم می باشد. در اصطلاح حقوقی «به فعل و ترک فعل شخص مجرم که موضوع کیفر در قانون جزا واقع شده باشد عنصر مادی گویند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، شماره ۳۸۱۱).

رفتار مجرمانه هم جنبه مثبت و هم جنبه منفی دارد؛ رفتار مجرمانه مثبت عبارت است از ارتكاب کاری که قانون آن را منع کرده و مرتکب را مستحق مجازات شناخته است. جرم فعل ممکن است به صورت گفتن یا نسبت دادن شفاهی، کتبی یا انجام دادن عملی باشد که قانون ارتكاب آن را با قید مجازات منع کرده است مثل توهین، افترا، سرقت، هتک ناموس، قتل، جاسوسی و... و رفتار مجرمانه منفی (ترک فعل) آن است که افراد از انجام وظیفه و تکلیفی را که قانونگذار برای آن ها تعیین کرده خودداری نمایند و مانند امتناع مقامات قضایی از انجام وظایف قانونی، امتناع از استرداد طفل سپرده شده و خودداری از پرداخت نفقه (گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۵۷).

#### ۴-۲-۲- تنبیه مجرم

با مطالعه و بررسی مکاتب مختلف حقوقی و نظرات حقوقدانان در می یابیم که تقریباً همه این مکاتب فلسفه اجرای مجازات را تنبیه فرد مجرم دانسته اند؛ یعنی مجرم علاوه بر تحمل مجازات باید اهمیت آن را درک کرده و از لحاظ روحی و روانی نیز متنبه و آگاه شده باشد.

بیش از همه مکاتب حقوقی، طرفداران مکتب کلاسیک نسبت به دیگران به بحث «تنبیهی بودن مجازات» اهمیت بیشتری داده اند. برخی از ایشان معتقدند که «انسان با اراده کامل و سنجش قبح نتایج اعمال خویش، مرتکب جرم می‌شود؛ لذا به اقتضای عدالت و به منظور تنبیه و ارعاب دیگران و تأمین دفاع اجتماعی باید مجازات شود» (ر.ک: بکاریا، ۱۳۹۵، ص ۲۳).

در واقع مکتب کلاسیک فقط به عمل انجام شده، یعنی جرم، توجه دارد و به هیچ‌وجه مجرم را از لحاظ جسمی و روحی مورد ملاحظه قرار نمی‌دهد. تحت تأثیر عقاید مکتب کلاسیک که معتقد به دفاع اجتماعی و ارعاب دیگران از طریق اعمال مجازات نسبت به بزهکار یا مجرم است، قوانین جزایی بسیار شدیدی تدوین شد و عدالت دست‌خوش خشونت شد، تا آن‌جا که عده‌ای از صاحب‌نظران، مخالفت کرده و زمینه را برای ظهور مکتب جدیدی آماده کردند که به نام مکتب نئوکلاسیک معروف شد (شامبیاتی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲).

بنابراین یکی دیگر از مبانی مسئولیت کیفری که می‌توان برای وکیل دادگستری لحاظ کرد این است که تحمل و پذیرش مسئولیت کیفری در واقع به منظور تنبیه نمودن وکیل متخلف و آگاه نمودن وی از عمل خلاف قانون وی می‌باشد.

#### ۴-۲-۳- تأمین حقوق بزه‌دیده و ترمیم او

با بررسی پژوهش‌های حقوق کیفری در زمینه پیشینه مسائل حقوق جزا مشخص می‌شود در گذشته توجه قانونگذار و مجریان قانون بیشتر معطوف بر مؤلفه‌هایی مانند جرم، مجرم و مجازات بوده است و شخص بزه‌دیده که در واقع قربانی جرم محسوب می‌شود اهمیت خود را در مراحل مختلف عدالت کیفری از دست داده بود. اما امروزه رویکرد متفاوتی نسبت به بزه‌دیدگان صورت می‌گیرد و سیاست جدیدی تحت عنوان حمایت از بزه‌دیدگان پدید آمده است تا علاوه بر تأمین حقوق بزه‌دیده، رضایت خاطر وی نیز جلب شود.

در رویکرد جدید حقوق کیفری نسبت به شخص بزه‌دیده، او را به عنوان یکی از عناصر جرایم در قبال دیگر ارکان آن (جرم و مجرم) دارای موقعیت حقوقی می‌دانند و حمایت از بزه‌دیدگان و جبران خساراتی که در نتیجه وقوع جرم متحمل شده‌اند و راه‌کارهایی که در

سیاست جنایی اسلام و اسناد بین‌المللی نیز در نظر گرفته شده است به همین مطلب اشعار دارد. بدون تردید، قربانی جرم از نظر روانی، اجتماعی، حقوقی و... آسیب‌های جدی دیده است و از این رو، باید مورد حمایت پزشکی، روانی و حقوقی قرار گیرد؛ اما بی‌گمان مهم‌ترین حمایت، حمایت اقتصادی، یعنی جبران خسارت بزه‌دیده است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مبانی طرح حمایت از بزه‌دیدگان، گذشته از اصول و مبانی دیگر، مبانی فلسفی و ایدئولوژیک است؛ زیرا حمایت از مظلوم و دفاع از بزه‌دیده‌ای که مورد تعدی قرار گرفته است، در همه مکاتب الهی، به ویژه اسلام، جایگاه ویژه داشته و اصولاً بنیان حقوق جزا را تشکیل می‌دهد. از منظر اندیشه بنیادین اسلام، حمایت از بزه‌دیده، خواه در قالب حمایت‌های قانونی و قضایی و خواه در ضمن حمایت‌های مادی و معنوی باشد، از اساسی‌ترین تکلیف شرعی است که رستگاری و خشنودی خداوند را فراهم می‌آورد (اسکندری، ۱۳۸۷، ص ۶۵).

بنابراین تأمین حقوق بزه‌دیده و فراهم نمودن رضایت خاطر زیان‌دیده، از جمله مبانی ایجاد مسئولیت کیفری به حساب می‌آید که می‌توان بر شخص مجرم بار نمود. زیرا مجرمی که به عمد یا غیرعمد موجب خسارت و زیان به شخصی گردیده است، علاوه بر جبران این خسارت، باید روحیه و در برخی مواقع حیثیت بزه‌دیده را ترمیم نماید و این امر تنها با پذیرش مسئولیت کیفری امکان‌پذیر می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

با نگاهی به مجموعه قوانین و مقررات شکلی و ماهوی حاکم بر اعمال وکلای دادگستری و با ملاک قرار دادن این قوانین می‌توان وکلا را در زمینه اعمال ارتكابی مجرمانه‌شان تعقیب کیفری نموده و مسئولیت کیفری را بر عهده آنها قرار داد. از مجموع این قوانین و مقررات شکلی و ماهوی چنین استنباط می‌شود که جرایم ارتكابی وکلای دادگستری از حیث ارکان و مجازات، تفاوتی با جرایم دیگر افراد جامعه ندارند و علی‌رغم اینکه در حقوق ایران، در صورت ارتكاب جرم توسط افرادی که جایگاه خاصی دارند مانند ولی و قیم و یا رؤسا یا مسئولین کشوری و لشکری، مجازات این افراد تشدید می‌شود، اما در خصوص جرایم وکلای

دادگستری چنین قوانین تشدید کننده‌ای پیش‌بینی نشده‌است. با این حال، ارتکاب برخی جرایم به حرفه وکالت مرتبط است بگونه‌ای که بدون در نظر گرفتن این شغل، امکان وقوع آن جرایم وجود ندارد.

در واقع در سیستم قانونگذاری ایران، به جز در موارد استثنایی مانند اعمال نفوذ، افشای اسرار و اخلال در نظم دادگاه و خیانت در امانت، جرم خاصی برای وکلای دادگستری تعیین نگردیده‌است و همین عدم تفکیک جرایم، نتایج متعدد حقوقی به دنبال داشته‌است. به نظر می‌رسد قوانین مربوط به مسئولیت کیفری وکلای دادگستری، شبیه مقررات کیفری عمومی، صرفاً به جنبه مجازات و ترساندن وکیل توجه دارند و از بُعد اصلاحی و حمایتی به جرایم و تخلفات وکیل توجه نمی‌کنند. البته این مطلب بدین معنا نیست که باید از وکیل بزهکار حمایت نمود، بلکه هدف از طرح چنین مسئله‌ای، اعتلا و ارتقای توانمندی‌های وکلا و رعایت قوانین حاکم به وسیله این افراد می‌باشد. به همین منظور در جهت ارتقای توانمندی‌های وکلای دادگستری و همچنین به منظور راهکارهای اصلاحی و تدابیر پیشگیرانه در جامعه بزرگ وکالت، موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- شفاف سازی در قوانین مرتبط با جرایم و تخلفات انتظامی وکلای دادگستری و رفع خلاءهای قانونی.
- ۲- راهکارهای مناسب در جهت حمایت و پشتیبانی از وکلا با هدف بهبود سطح سلامت روانی آنها.
- ۳- به کارگیری اصول و آداب اخلاق حرفه‌ای در شغل وکالت از طریق گسترش برنامه‌های آموزشی.
- ۴- استفاده از سیستم پاداش و تشویق سازمانی در ازای رعایت اصول و ضوابط حرفه‌ای وکالت از سوی کانون‌های سراسر کشور، با هدف افزایش روحیه اعتماد به نفس و ایثار.
- ۵- بهره‌گیری شیوه و مکانیزم‌های نظارت سازمانی در کنار رعایت احترام به حقوق و شخصیت وکلا.
- ۶- ایجاد وحدت بیشتر میان کانون‌های وکلا در سراسر کشور به نحوی که اعضای کانون‌ها خود را جدا از یکدیگر ندانسته و با هم تعامل داشته باشند.

## منابع و مآخذ

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۸، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران: میزان.
- ۲- انصاری عربانی، محمد، شیخ الاسلامی، مرتضی، ۱۳۹۳، تخلفات انتظامی وکیل دادگستری، تهران: خرسندی.
- ۳- انصاری، مرتضی، ۱۳۸۸، فرائدالاصول، قم: دارالعلم.
- ۴- آقایی نیا، حسین، ۱۳۶۲، مسئولیت جزایی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۵- باختر، سیداحمد، رئیسی، مسعود، ۱۳۹۲، تخلفات و مجازاتهای انتظامی وکلای دادگستری، تهران: خط سوم.
- ۶- باقری مقدم، منوچهر، ۱۳۹۶، وکالت در حقوق ایران، تهران: بهنامی.
- ۷- بخشی زاده، امین، ۱۳۹۵، مجموعه قوانین دست نویس قانون آیین دادرسی کیفری، تهران: شریف
- ۸- بکاریا، سزار، ۱۳۹۵، رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: میزان.
- ۹- جعفری، مجتبی، ۱۳۹۳، مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۴.
- ۱۰- جعفری، محمدحسین، نعیمی، علیرضا، ۱۳۹۳، مسئولیت مدنی وکلای دادگستری در نظام حقوقی ایران، همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی میبد.
- ۱۱- جعفریان، سیدعلیرضا، ۱۳۸۸، وکالت چالش ها و روش ها، تهران: سرو.
- ۱۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۹، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران: گنج دانش
- ۱۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۳، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.

- ۱۴- حبیب زاده، محمدجعفر؛ میرمجیدی، سپیده، ۱۳۹۱، مطالعه تطبیقی مسئولیت کاهش یافته در حقوق کیفری ایران و انگلستان: مفهوم، مبناها و جلوه‌ها، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۴.
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۳۰. لغتنامه، تهران: امیرکبیر.
- ۱۶- ساکی، محمدرضا. ۱۳۸۸، آشنایی با جرم پولشویی، تهران: انتشارات جاودانه.
- ۱۷- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۵، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: مجد
- ۱۸- طباطبایی لطفی، عصمت السادات؛ روشنی، محمود، ۱۳۹۰، قاعده تسبیب و رابطه آن با قاعده اتلاف، دوره ۲، شماره ۷.
- ۱۹- عبداللهی، امیرمحمد؛ باقری، مصطفی، ۱۳۹۳، مسئولیت مدنی وکلای دادگستری در حقوق جمهوری اسلامی ایران، همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی میبد.
- ۲۰- فرج الهی، رضا، ۱۳۸۸، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، تهران: میزان.
- ۲۱- کشاورز، بهمن، شیخ‌الاسلامی، مرتضی، سمایی، عبدالله، ۱۳۹۲، تخلفات انتظامی وکلا (مجموعه مطالب، نظریات مشورتی و آراء شعب دادگاه انتظامی)، تهران: خرسندی.
- ۲۲- کوشا، جعفر، ۱۳۹۱، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۱.
- ۲۳- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۲، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.
- ۲۴- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۴، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: مجد.
- ۲۵- لور راسا، میشل، ۱۳۷۵، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتري، تهران: نشر حقوقدان.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۰، القواعد الفقهيہ، قم: مدرسه علی بن ابی طالب.
- ۲۷- میرسعیدی، سیدمنصور، ۱۳۹۰، مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان، تهران: میزان.
- ۲۸- نوربها، رضا. ۱۳۹۱. زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.
- ۲۹- آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴
- ۳۰- قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۱۳۷۶

- ۳۱- قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵
- ۳۲- قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵
- ۳۳- قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می نمایند مصوب ۱۳۰۷
- ۳۴- نظامنامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶
- ۳۵- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- ۳۶- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- ۳۷- قانون آیین دادرسی مدنی